

بررسی تأثیر توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین در افزایش سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان پاکدشت)

مرتضی امینی

گروه علوم سیاسی-جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد علی خسروی^۱

گروه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

عباس خلجی

گروه علوم سیاسی، فرهنگی اجتماعی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۰

چکیده

در سال‌های اخیر سیاست‌گذاری توسعه شهری در برخورد با سکونت‌گاه‌های غیررسمی از رویکرد منفی نادیده گرفتن، تخریب و تخلیه اجباری به سیاست‌های اجتماع‌محور از قبیل بهسازی، توانمندسازی و سیاست‌های اصلاح‌طلبانه و اجتماع‌محور ارتقاء یافته است. راهبرد توانمندسازی در پی ظرفیت‌سازی در اجتماعات برای حل مشکلات آن‌ها با اندیشه، منابع، پتانسیل و بازوی خود آنهاست بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامه‌های توانمندسازی در مناطق حاشیه‌نشین در افزایش سرمایه اجتماعی انجام شده است. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق کلیه ساکنان شهرستان پاکدشت (غرب حصار امیر) بودند که جمعیت مناطق حاشیه‌نشین آن در حدود سی هزار نفر تخمین زده می‌شود که به این ترتیب حجم نمونه با استفاده از جدول کوکران عدد ۳۷۹ به دست آمده است. ابزار مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است که روایی و پایایی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت. سپس پرسشنامه‌ها در بین جامعه آماری توزیع شد و پس جمع‌آوری با استفاده از آزمون رگرسیون و در نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان داد که بین توانمندسازی و سرمایه اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد. توانمند کردن مناطق حاشیه‌نشین در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند آثار بسیار مؤثری بر افراد ساکن در این محله‌ها با خود به همراه داشته باشد؛ و موجب بالا رفتن سرمایه اجتماعی در ابعاد شناختی (اعتماد اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارها) و ساختاری (مشارکت اجتماعی و همبستگی اجتماعی) آن‌ها شود. به‌طور کلی می‌توان گفت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی در یک ارتباط دوسویه با یکدیگر قرار دارند.

کلمات کلیدی: توانمندسازی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مناطق حاشیه‌نشین.

مقدمه

رشد جمعیت و افزایش بی‌رویه مهاجرت‌ها به شهرها خصوصاً شهرهای بزرگ باعث بروز مشکلات و مسائل زیادی خصوصاً در کشورهای در حال توسعه شده است. چنانچه برآورد شده، امروزه در حدود ۶۵۰ میلیون شهرنشین در شرایط تهدید کننده زندگی شامل فقر و کیفیت‌های نامطلوب زیست محیطی زندگی میکنند و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۵ میلادی این رقم به دو برابر افزایش پیدا کند. گیلبرت و گالبر، انباشتگی شهری و نابرابری و اشتغال کاذب و ناقص و شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی و معضل مسکن و فقر شهری را از جمله پیامدهای شهرنشینی در جهان سوم قلمداد می‌کنند (خزایی و زیویار، ۱۳۹۳: ۹۱). پدیده اسکان غیررسمی و حاشیه نشینی و ساختارهای نامطلوب آن یکی از مشکلات مهم شهرنشینی عصر حاضر می‌باشد، این پدیده به اشکال مختلف در گوشه و کنار شهرها، حتی در بخش مرکزی شهرها به صورت مجتمع‌هایی در قالب محله‌هایی با عناوین مناطق حاشیه نشین، مناطق فقیر نشین و تهیدست، سکونتگاه‌های خودرو، سکونتگاه‌های نابسامان، سکونتگاه‌های غیرمجاز و سکونتگاه‌های برنامه ریزی نشده از آن نام می‌برند، مشاهده می‌شود. در اغلب کشورهای در حال توسعه این پدیده به شکل حادثه‌تر از سایر کشورهای جهان مشاهده می‌شود. سکونتگاه‌های غیررسمی راه حل و پاسخ اقشار فرودست جامعه به مسئله مسکن و بی‌خانمانی است. برای مقابله و ساماندهی این سکونتگاه‌ها سیاست‌های مختلفی اتخاذ شده است، اما ناکامی برنامه و پروژه‌های متکی بر رهیافت‌های تمرکزگرا، دستوری و یک سویه، هر چند ممکن است دلسوزانه هم بوده باشد، عملاً به کنار ماندن مردم از جریان توسعه و ناتوانمندسازی اجتماعات را موجب می‌شود (صرافی، ۱۳۸۱: ۳۶). مسکن غیررسمی دیگر صرفاً مجموعه‌ای نامنظم از آلونک‌های ناپایدار نیست بلکه شیوه‌ای برای خانه دار شدن هزاران خانواری است که در شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه، اغلب در بخش غیررسمی امرار معاش می‌کنند و از تامین رسمی مسکن نتوانند. (UN-HABITAT, 2003:6) از طرف دیگر در اواخر دهه ۱۹۸۰، رهیافت توانمندسازی با سیاست‌های دارایی-مبنا و متکی بر سرمایه‌های اجتماعی، کالبدی و مالی ساکنان و با رویکردی فرایندگرا، ابزاری و ظرفیت‌سازی اجتماع محلی، افراد ساکن در این سکونتگاه‌ها را نه به عنوان معضل بلکه به عنوان دارایی می‌نگرد و ارتقای وضعیت اجتماعی-اقتصادی آنها را با نقش تسهیلگر دولت بر عهده خود آنان می‌گذارد تا تعهد و توانمندسازی را جایگزین فرهنگ استحقاق و فرهنگ فقر بنماید. (پیری و رضاییان، ۱۳۹۳: ۶۴) مهمترین مساله در بحث توانمندسازی، نحوه مذاکره با مردم و جلب اعتماد آنها در اجرای طرح در مناطق فقیر نشین با تاثیرگذاری و مشارکت ساکنین محلات می‌باشد. اعتماد لازمه شکل‌گیری پیوندها و ارتباطات اجتماعی و مشارکت اجتماعی می‌باشد. هرچقدر یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بالاتری باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری نیز خواهد شد. سرمایه اجتماعی بیشتر جنبه انتزاعی دارد، سرمایه اجتماعی در تسهیل کنش‌های اجتماعی و کاهش هزینه‌های عمومی خودنمایی میکند؛ بنابراین پژوهش حاضر قائل به این موضوع است که توانمندسازی (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی) می‌تواند علاوه بر بهبود و ارتقای کیفی زندگی ساکنان مناطق حاشیه نشین پاکدشت (محله استاد شهریار) نقش شایانی داشته باشد، موجب افزایش سرمایه اجتماعی در ابعاد ساختاری

و شناختی بین ساکنین محله استاد شهریار خواهد شد. بر همین اساس این پژوهش به دنبال سنجش و ارزیابی نقش توانمندسازی (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی) بر افزایش سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین شهر پاکدشت در قالب پیوندهای اجتماعی از جمله پیوندهای اعتماد اجتماعی، آگاهی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و همبستگی اجتماعی مرتبط با فرایند توانمندسازی اجتماع محور می‌باشد.

حاشیه نشینی

گسترش سریع شهرها در سراسر جهان با رشد سریع سکونتگاه‌های غیررسمی همراه بوده است که اغلب به عنوان حاشیه یا زاغه^۱ شناخته شده‌اند. تخمین زده می‌شود که تا سال ۲۰۳۰، نزدیک به ۵ میلیارد نفر در مناطق شهری زندگی خواهند کرد. (ایازی، ۱۳۸۹: ۶۴). حاشیه نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی راه حل و پاسخ اقشار فرودست جامعه به مسکن و بی خانمانی است. به گفته دیویدهاروی: اسکان غیر رسمی محصول برنامه ریزی شهری مردمی است که برای آنها برنامه ریزی نشده است (سرور، ۱۳۹۳: ۵). حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی، بیش از هر چیز یک واقعیت کالبدی و ریخت‌شناسی است که حاصل اسکان‌یافتگی گروهی از مردم بوده است. طبق آمارهای موجود حدوداً هشت میلیون نفر از جمعیت ایران در این نوع سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند (پوراحمد و وفایی، ۱۳۹۶: ۶۲). وجود این سکونتگاه‌های غیراستاندارد در شهرها تبعات سوئی از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، مدیریت شهری و دارد افزایش نابرابری در سطوح مختلف (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی) منجر به شکل‌گیری محلات فرودست و فقیرنشین با عناوین مختلف حاشیه‌نشینی، سکونتگاه‌های غیر رسمی، آلونک نشینی حلبی‌آباد و... می‌گردد؛ که ویژگی‌هایی از قبیل تسلط فرهنگ فقر اقتصادی، فقر قابلیت، تراکم جمعیت، نارسایی خدمات عمومی، جدایی توده مردم از جامعه شهری، احداث ساختمان با مصالح کم‌دوام، عدم مهارت و شغل ثابت ساکنین، عدم احساس تعلق به محیط خود، محرومیت اجتماعی، سرخوردگی و کاهش سرمایه اجتماعی و دارای انواع آسیب‌های اجتماعی فراوان دیگر را دارا می‌باشد که تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام شهری هست که نیازمند تدابیر و چاره‌جویی برای رفع وضعیت حاضر می‌باشد (علیزاده اقدام و محمدامین، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

چارلز آبرامز کارشناس معروف مسکن از مفهوم زاغه‌ها و مناطق حاشیه نشین تعبیری به این شرح ارائه می‌دهد: ساختمان یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسائی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی دیده می‌شود، می‌تواند به عنوان زاغه و یا منطقه حاشیه نشین معروف گردد (دهاقانی، ۱۳۸۵: ۱۱۹). حاشیه نشینی یا زاغه نشینی، اصطلاحی است که به محله‌های مسکونی غیر متعارف و متداول شهری اطلاق می‌شود. در واقع محله‌های فاقد تجهیزات شهری - آب، برق، گاز شهری، تلفن، مدرسه، درمانگاه، نارسایی وسایل حمل و نقل عمومی را می‌توان در ردیف زاغه نشینی طبقه بندی کرد. این مفهوم در مناطق حاشیه نشین نیز کاملاً صادق است. (ستوده، ۱۳۸۴: ۸۶). در واقع، حاشیه نشینی به توسعه‌ی شهری گفته می‌شود که بدون برنامه ریزی و هدایت، کنترل و بدون توجه به مقررات شهرسازی توسط توده

¹ Slums

ی مردم به صورت ساخت و سازهای غیر مجاز به گونه‌ای وسیع تر و سازمان یافته تر از سابق به شکل زاغه، حلبی آباد، آلونک، قمیر و... پدید می آید» (ستوده، ۱۳۸۴: ۱۹۳). بنا بر برخی تعاریف، حاشیه نشینان کسانی هستند که در سکونت‌گاه‌های غیرمعارف با ساکنان بافت اصلی (شهر) زندگی می‌کنند و بیشتر بر اثر نیروی دافعه خاستگاه، فقر، بیکاری و کمتر عوامل جاذب شهری از زادگاه خود روستا، ایل یا شهرهای کوچک رانده می‌شوند و به شهرها روی می‌آورند (منصوریان و آیت‌اللهی، ۱۳۵۶: ۲). محلات حاشیه نشین آخرین چاره بازماندگان است و در تلاش بی‌امان به دست آوردن مزایای شهری، این محلات از نظر مدرسه، شغل، جمع‌آوری زباله، روشنایی معابر، خدمات اجتماعی و هر چیز دیگری که به طور دسته جمعی فراهم می‌شود نیز بازنده هستند. محلات حاشیه نشین محله‌ای هستند که جمعیت آن نمی‌تواند در روند رقابت برای خدمات و کالاهای عمومی به نحو موثری شرکت جوید و بدین ترتیب کنترلی بر نحوه توزیع این خدمات و کالاها ندارند (هاروی، ۱۳۷۶: ۷۲). عدم مشارکت، احساس تبعیض، نداشتن روحیه تعلق شهروندی، کامروایی معوق و از ویژگیهای عمده شخصیتی حاشیه نشینان است. حاشیه نشین این احساس را دارد که شهر خانه او نیست، اگر چه خانه او در شهر است و لذا پیوسته در تضاد میان عینیت و ذهنیت به سر می‌برد. اگر حاشیه رانده شدگی کامل شود ما با بحران شهری روبه‌رو می‌شویم و به نظر می‌رسد که بررسی آن از منظر جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی خارج و در حوزه جامعه‌شناسی بحران قرار گیرد (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵: ۲۲۰). با توجه به علل متعدد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی-فضایی در ایجاد این مشکل، برخی بر عوامل اجتماعی به عنوان ظرفیت سازی و توانمندسازی محلات تأکید می‌کنند (زرین کاویانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱).

توانمندسازی راهکاری برای توزیع مناسب منابع اقتصادی و اجتماعی به صورت پایدار است که شرایطی را فراهم می‌آورد تا زندگی قشرهای کم درآمد و فقیر با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و اولویت بندی نیازهایشان، توسط خود ساکنان بهبود یابد (اسکندری دروباطی، ۱۳۸۲: ۷۷). رهیافت توانمندسازی با سیاستهای دارای - مبنای و متکی بر سرمایه‌های اجتماعی، کالبدی و مالی ساکنان و با رویکردی فرایندگرا، ابزاری و ظرفیت سازی اجتماع محلی، افراد ساکن در این سکونتگاه‌ها را نه به عنوان معضل بلکه به عنوان دارایی می‌نگرد و ارتقای وضعیت اجتماعی-اقتصادی آنها را با نقش تسهیلگر دولت بر عهده خود آنان می‌گذارد تا تعهد و توانمندسازی را جایگزین فرهنگ استحقاق و فرهنگ فقر بنماید (پیری و رضاییان، ۱۳۹۳: ۶۴). توانمندسازی به دنبال آن است که موانع ذهنی، مالی، اجتماعی و نهادی ساکنان مناطق حاشیه نشین را از طریق آموزش، ایجاد انگیزش، افزایش امکان دسترسی به منابع مالی، اشتغال زایی، افزایش توان مالی خانوارها، ایجاد امنیت اقامت برطرف سازد و با این اقدامات موجب توانمندسازی ساکنان در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و نهادی گردد. افراد وقتی توانمند می‌شوند که در مولفه‌های معنادار بودن، احساس شایستگی، حق تعیین سرنوشت، احساس تاثیرگذاری و اعتماد اجتماعی به سطح مناسبی برسند. (Thomas & Velthouse, 1990:667)

سرمایه اجتماعی منابعی از میراث روابط اجتماعی هستند و کنش جمعی را تسهیل می‌کنند، این منابع از طریق اجتماعی شدن حاصل می‌شوند؛ دربرگیرنده اعتماد، هنجارها، شبکه‌هایی از پیوندهای اجتماعی هستند که موجب تأمین اهداف مشترک برای گروه می‌شود. سرمایه اجتماعی سازه و ساختاری است که بر روابط میان مردم تأثیر

می‌گذارد. سرمایه اجتماعی محصول فعالیت‌های اجتماعی و شبکه‌های عمیق ارتباطی است. سرمایه اجتماعی هنجارهای غیر رسمی است که موجب ایجاد جامعه‌ای منسجم با اعتمادی بالا و ارتقای همکاری و همدلی می‌گردد (زاهدی، ۱۳۸۲: ۲۷۴). سرمایه اجتماعی را در بر گیرنده سبدهای از نهادها، روابط، شبکه‌ها و هنجارها می‌داند که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی جامعه را شکل می‌دهند. در هر حال، قدر مسلم آن است که جوهره انباشت آن اعتماد متقابل و هنجارهای دوسویه میان افراد گروه یا جامعه می‌باشد. در واقع، قابلیت است که از شیوع اعتماد در جامعه یا بخش‌های مشخصی از آن پدیدار می‌شود (مرادزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰۸).

سرمایه اجتماعی به سرعت به ابزار تحلیلی اصلی پژوهش‌های جدید توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است. در کلی‌ترین سطح، سرمایه اجتماعی ویژگی‌هایی از یک جامعه یا گروه اجتماعی است که ظرفیت سازمان‌دهی داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را افزایش می‌دهد. سرمایه اجتماعی میراث روابط اجتماعی است و کنش جمعی را تسهیل می‌نماید و می‌تواند نقش مؤثری در فرایندی به نام توانمندسازی، مبتنی بر به‌کارگیری حداکثر توان‌های نهفته ساکنین مناطق فرودست شهری، مناطق حاشیه‌نشینی (سکونتگاه‌های غیررسمی) به ساماندهی، بهبود و بهسازی شرایط موجود در این مناطق اثرگذار باشد. (قربانی گلزاری، ۱۳۹۳: ۶). پژوهشگران، سرمایه‌های اجتماعی را عامل مؤثر بر پایداری اجتماعی شهر، کاهش‌دهنده هزینه‌های مبادله، توانمندسازی اقتصادی و پایداری محیطی در تمام سطوح می‌دانند (ابراهیم‌زاده و زارع، ۱۳۹۰: ۲).

استان تهران به خاطر فرصت‌های شغلی و معیشتی بستر جمعیت کثیری از مهاجران بی‌بضاعت است که مهاجران برای خروج از وضعیت فقر به آن پناه می‌برند. شهرستان پاکدشت یکی مراکز مهاجرپذیر در جنوب شرق استان تهران که به خاطر نزدیکی مسافت به شهر تهران، ارزانی زمین و مسکن، وجود چندین شهرک صنعتی، تولیدی، کارخانه‌ها و تولید گل و گیاه در شهرستان و عدم نظارت و مدیریت صحیح شهری شاهد بروز مناطق حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی در بیست کیلومتری پایتخت جمهوری اسلامی ایران هستیم. طی دهه‌های اخیر سیاست‌گذاری توسعه شهری در برخورد با سکونت‌گاه‌های غیر رسمی از رویکرد منفی و تهدید کننده توسعه شهری از جمله تخریب، اخراج، جابجایی اجباری به سیاست‌های اجتماع‌محور از قبیل بهسازی در مکان شکل‌گیری سکونتگاه، بهسازی خودیار، توانمندسازی و سیاست‌های اصلاح‌طلبانه و اجتماع محور ارتقاء یافته است. در این میان، رویکرد توانمندسازی با برخوردی همه‌جانبه به مناطق حاشیه‌نشین، بسان پدیده‌ای فراتر از یک موضوع صرفاً کالبدی توجه نموده است. از آنجا که این رویکرد، معتقد به ظرفیت‌سازی در اجتماعات برای حل مشکل آنها با اندیشه و بازوی خود آنهاست، (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۷) و تأکید خاصی بر ارتقای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اجتماعات محلی دارد، می‌توان گفت که افزایش توان مشارکتی ساکنان می‌تواند موجبات پایداری اجتماعات محلی تلقی شود (شرکت عمران و بهسازی شهری، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

با توجه به اهمیت این موضوع در حال حاضر بررسی فرایند توانمندسازی بر افزایش سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در برون رفت از شرایط موجود در مناطق حاشیه‌نشین از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. بر

این اساس مقاله حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامه‌های توانمندسازی در مناطق حاشیه‌نشین در افزایش سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان پاکدشت) تهیه و تدوین شده است.

معرفی محدوده تحقیق

شهرستان پاکدشت یکی از شهرستان‌های استان تهران است. این شهرستان در جنوب شهر تهران و مرکز آن شهر پاکدشت است. شهر پاکدشت در عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۱۱ دقیق شمالی و طول ۵۱ درجه و ۲۰ دقیقه شرقی در جنوب شرقی استان تهران و در بخش مرکزی شهرستان پاکدشت واقع شده است. ارتفاع متوسط این شهر از سطح دریا ۹۴۰ متر می‌باشد. این شهر در سال ۱۳۶۹ با به هم پیوستن سه روستای قوهه، پلشت و مامازن تأسیس گردید و در ادامه در طی این سال‌ها روستاهای خاتون آباد، بیر و حصار امیر وشهرک انقلاب به ترتیب به آن الحاق شد. مساحت کنونی این شهر در حال حاضر در حدود ۲۵۰۰ هکتار می‌باشد. بنابر سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، تعداد ۱۰۰۲۲۸ خانوار شامل ۴۱۰۶۰۹ نفر در این شهرستان ساکن بوده‌اند که از این تعداد ۱۷۹،۳۷۵ نفر مرد و ۱۷۱،۵۹۱ نفر آن‌ها زن بودند. پاکدشت از شهرستان‌های استان تهران و از مهاجرپذیرترین شهرستان‌های ایران است. پاکدشت همچنین به دلیل سطح بالای زیر کشت سبزیجات و گل و گیاهان زینتی که به تمام نقاط ایران و حتی خارج از کشور صادر می‌شود) به پایتخت گل و گیاه معروف شده است و طی چند سال گذشته کشت زعفران نیز رواج داشته است... همچنین سایت و مناطق نظامی پارچین در این شهرستان واقع شده که اهمیت آن را دوچندان نموده است. پاکدشتی که اکنون می‌بینیم، در اصل شامل شماری روستا و شهر است که در دوران باستان دهکده‌هایی در دشت ری بوده‌اند. طبق اظهارات پژوهشگران اسامی بسیاری از روستاهای پاکدشت نام‌هایی باستانی‌اند. از این رو کاوش در تپه‌ها و مناطق مختلف احتمالاً به اکتشافاتی در این زمینه منجر می‌گردد. از جمله این اسامی می‌توان به نام روستای مامازند، حصارامیر، خاتون آباد، قوهه، بیر و... اشاره کرد که محققین این اسامی را به دوران مهرپرستی ایرانیان نسبت می‌دهند. محله استاد شهریار شمال غرب پاکدشت در منطقه حصار امیر واقع شده است که خارج از محدوده شهری می‌باشد؛ و ساکنین این منطقه از سال ۱۳۹۲ شروع به ساخت و ساز غیر مجاز نمودند.



هانی فان نخستین نویسنده‌ای است که از اصطلاح سرمایه اجتماعی استفاده کرده است. این مربی آموزشی گمنام ویرجینیایی در مقاله‌ای (۱۹۱۶م) نابسامانی‌های نظام آموزشی کشورش، ایالات متحده آمریکا را بررسی می‌کند و

اصطلاح سرمایه اجتماعی را برای تبیین دگرگونی‌هایی که در روابط اجتماعی دانش‌آموزان مشاهده کرده، به کار می‌برد (اجتهادی، ۱۳۸۶:ص ۴۱۳). جین جاکوب اصطلاح سرمایه اجتماعی را نخستین بار در اثر کلاسیک خود با عنوان (مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ امریکا) برده که در آن اثر، توضیح داده است که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با نهادهای رسمی مانند نیروهای حفاظتی پلیس مسوولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. در دهه‌ی ۱۹۸۰، این اصطلاح توسط جیمز "کلمن" جامعه‌شناس در معنای وسیع‌تری مورد استفاده قرار گرفت و "رابرت پاتنام" دانشمند علوم سیاسی، نفر دومی بود که بحث قوی و پرشوری را در مورد نقش سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی هم در ایتالیا و هم در ایالت متحده برانگیخت (فوکویاما، ۱۳۸۴:۱۰). پس از آن بورديو در فرانسه ابعاد دیگری از این مفهوم را روشن نمود. او تلاش کرده است که مطالعه سیستماتیک منظمی از سرمایه اجتماعی داشته باشد (توسلی، موسوی، ۱۳۸۴:۵).

کامبیز مصطفی پور (۱۳۸۸) در کتاب دیباچه‌ای بر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مولفه‌های توسعه اجتماعی در ایران، معتقد است سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهمتری از سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی در مدیریت شهری ایفا میکند. ارزش‌ها، هنجارها، روابط اجتماعی و شبکه‌های روابط جمعی، اعتماد و آگاهی عوامل پیوند و انسجام شهروندان و مدیریت شهری هستند. سرمایه اجتماعی قادر است با جلب مشارکت مردمی و افزایش اعتماد، هزینه‌های ارائه خدمات، تبادلات و تعاملات مرتبط با مناطق شهری را در حد قابل قبولی کاهش دهد.

غفاری و ازکیا (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان بررسی رابطه اعتماد و مشارکت در نواحی روستایی کاشان در سال ۱۳۸۰ اعتماد را در دو بُعد اعتماد به افراد و اعتماد به نهادها و سازمان‌ها بررسی کرده است. به اعتقاد محقق اعتماد تسهیل‌کننده مبادلات در فضای اجتماعی است که هزینه مذاکرات و مبادلات اجتماعی را به حداقل می‌رساند و عنصر پیش‌قراردادی و مفهوم حیات اجتماعی است. (غفاری، ۱۳۸۳).

خلیفا^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان ارتقاء استراتژی تکامل سکونتگاه‌های غیر رسمی در مصر: از سهل‌انگاری تا توسعه مشارکتی معتقد است موضوع سکونتگاه‌های غیررسمی نشان‌دهنده یک چالش کلیدی نه تنها در مصر، بلکه در سراسر جهان است. در مصر، با وجود همه تلاش‌ها برای مهار رشد سکونتگاه‌های غیررسمی، این سکونتگاه‌ها به طور پیوسته در حال رشد هستند. با تغییر سیاست‌ها به سیاست‌های مشارکتی این تغییر یک راه حل تحریک‌کننده است تا با استفاده از روش‌های معاصر توسعه مشارکتی و سیاست‌های مسکن با هدف ارائه سرپناه مقرون به صرفه به فقرا شهری گام‌های موثر در بهبود سکونتگاه‌های غیر رسمی برداشته شود.

خراسانی مقدم و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی مؤثر بر میزان رضایتمندی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی، معتقدند: در سکونتگاه‌های غیر رسمی، وجود نابسامانی‌های فراوان در

¹ Khalifa

ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی، سطح زندگی ساکنان را کاهش داده است و مهم ترین هدف توسعه پایدار؛ یعنی بهبود کیفیت زندگی و رضایتمندی ساکنان را با تهدید جدی روبه رو ساخته است. زنگنه و حسین آبادی (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر امنیت ادراکی تصرف و نقش آن در توانمندسازی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی؛ امنیت تصرف را از مهمترین مسائلی دانسته‌اند که سکونتگاه‌های غیررسمی با آن مواجه هستند توانمند سازی سکونتگاه‌های غیر رسمی از سیاست‌های تأمین امنیت تصرف است. امنیت تصرف و حمایت از ساکنان این سکونتگاه‌ها در مقابل تخریب و تخلیه ی غیر داوطلبانه ی مسکن، نقش عمده‌ای در ارتقای کیفیت مسکن دارد.

چارچوب نظری

در این پژوهش از نظریات در رابطه با بحث توانمندسازی از جمله توماس و ولتهوس (انگیزشی و ارتباطی) و مدل‌های تلفیقی استفاده خواهد شد؛ و با توجه به ماهیتی که سازه سرمایه اجتماعی دارد، شاهد دیدگاه‌های متنوعی در خصوص سرمایه اجتماعی هستیم، در این پژوهش بحث‌های نظری مطرح شده را در غالب سنت نظری-هنجاری دیدن سرمایه اجتماعی (پاتنام، کلمن، فوکویاما) و سرمایه اجتماعی به عنوان نوعی منبع (بوردیو) مورد توجه قرار می‌گیرد.



مدل توانمند سازی توماس و ولتهوس
 توماس و ولتهوس و اسپریتزر (۱۹۹۲) معتقدند که توانمندسازی موضوعی چند وجهی است که در یک مجموعه چهارگانه شناختی که انعکاس‌دهنده نگرش افراد در مورد نقش‌های کاری آنهاست آشکار می‌شود. شناخت‌های چهارگانه عبارتند از:

- معنادار بودن؛ که به معنای ارزش نهادن و متعهد بودن برای مقاصد، اهداف یا فعالیتی که به آن مشغول هستند.
- احساس شایستگی؛ رضایت افراد یا جوامع محلی در توانایی انجام موفقیت‌آمیز وظایفشان با مهارت بالاست.
- حق تعیین سرنوشت؛ که احساس استقلال افراد یا جوامع محلی را برای شروع و تداوم فرآیندهای کاری و تصمیم‌سازی نشان می‌دهد.
- احساس اثرگذاری موثر؛ که افراد و جوامع محلی احساس لازم در خصوص تاثیرگذاری خود بر محیط به جریانات و غیره را در فرآیند زمانی بدست می‌آورند. (ابطحی، ۱۳۹۲: ۱۳۸)

واژه توانمندسازی (EMPOWER) در فرهنگ فشرده آکسفورد؛ قدرتمندشدن، مجوز دادن، ارائه قدرت و تواناشدن معنی شده است. تاریخچه نخستین تعریف اصطلاح توانمندکردن به سال ۱۷۸۸ برمی‌گردد که در آن توانمندکردن را تفویض اختیار در نقش سازمانی خود می‌دانستند که این اختیار بایستی به فرد اعطا یا در نقش سازمانی او دیده شود. این توانمندکردن به معنی اشتیاق فرد برای پذیرش مسئولیت، واژه‌ای بود که برای نخستین بار به‌طور رسمی به معنی پاسخگویی تفسیر شد. گرو (۱۹۷۱) به تعاریف رایج فرهنگ لغت از توانمندکردن اشاره می‌کند که شامل تفویض قدرت قانونی، تفویض اختیارکردن، مأموریت‌دادن و قدرت‌بخشی است. در سال ۱۹۹۰ گاندز توانمندکردن را با واگذاری قدرت تصمیم به کارکنان مفهوم‌سازی کرد؛ اما زایمرن (۱۹۹۵) به ارائه تعریفی آسان از آن تأکید کرد و معتقد است زمانی ارائه تعریفی از توانمندکردن آسان است که به آن بدون در نظر گرفتن واژه‌هایی مانند درماندگی، بی‌قدرتی و بیگانگی توجه کنیم. هرگاه بخواهیم آن را با توجه به افراد گوناگون تعریف کنیم بسیار مشکل است. ادبیات توانمندکردن تاکنون بسیار دگرگون شده است تا اینکه لی (۲۰۰۰) توانمندکردن را زمینه‌ای برای افزایش گفتگوها، تفکر انتقادی و فعالیت در گروه‌های کوچک می‌داند و اشاره می‌کند که اجازه‌دادن به فعالیت‌هایی برای حرکت به فراسوی تسهیم، تقسیم و پالایش تجربیات، تفکر، دیدن و گفتگوها از اجزای اصلی توانمندکردن است. توانمندسازی اجتماع محور یکی از محورهای اساسی اخیر در مباحث توسعه و گفتمان پساتوسعه بوده است. این رویکرد با محور قراردادن مردم و سازمان‌های غیردولتی، توسعه را از پایین به بالا و از درون جامعه به پیش می‌برد. محلی‌گرایی، سازمان‌های غیردولتی و مردم محلی از جمله مهم‌ترین متغیرهای توسعه مردمی هستند. در این رویکرد، دولت برخی سازمان‌های غیردولتی مردم محور و نهادهای غیردولتی را توانمندسازی می‌کند تا عهده دار به پیش بردن توسعه در زمینه‌های مختلف محلی و منطقه‌ای شوند. تعامل با مردم محلی از طریق بعضی فرستادگان دولتی، مثل مهندسان، کشاورزان، اقتصاددانان و ... براساس یک پویایی متقابل و توانمندکردن آن‌ها، از دیگر محورهای توسعه مردمی است. در پژوهش‌های اخیر توانمندسازی را به عنوان ساختاری چندبعدی، با ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در نظر گرفته‌اند در همین راستا، شیونز (۱۹۹۰-۲۰۰۲) چهار بُعد توانمندسازی اجتماع محور را توانمندسازی اقتصادی، روان‌شناختی، اجتماعی و سیاسی معرفی کرده است (مرادزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰۸).

جدول تعاریف توانمندسازی (اسناد و صاحب‌نظران داخلی و خارجی)

تجربه زاهدان	ایجاد تحرک و ارتباط بین نهادهای بالا دستی و پایین دستی جهت دستیابی به اهداف توسعه در محلات غیررسمی می‌باشد. (تجربه زاهدان ۱۳۸۱)
دبیرخانه ستاد ملی توانمندسازی	بستر گشایی جهت مشارکت فراگیر مردم و تقویت منابع محلی جهت چاره‌جویی مسائل و مشکلات اسکان غیررسمی (گزارش اردیبهشت ۸۵)
تجربه کرمانشاه	توسعه نهادهای محلی، تمرکز زدایی در تصمیم‌گیری و توجه به مشارکت مردم و منابع قدرت اجتماعی ساکنین محلات (تجربه کرمانشاه ۱۳۸۱)
والریا کارازی	توانمندسازی اسکان‌های غیررسمی بهبود وضعیت خدماتی و زیربنایی از طریق مشارکت بخش خصوصی و مردم در مناطق فقیرنشین شهری به گونه‌ای که بخش خصوصی توان مشارکت در حفظ و اجرای پروژه‌ها و طرح‌های توانمندسازی را داشته باشد. در این تعریف توانمندسازی بهبود وضعیت معابر، شبکه‌های فاضلاب و تأمین بهداشت عمومی را شامل می‌شود

منبع: سرور، ۸۲، ۱۳۸۸

بر این اساس می‌توان عنوان کرد که توانمندسازی اجتماع محور و نقش آن در تقویت ساختاری سرمایه اجتماعی یکی از ارکان اساسی در پیشرفت و توسعه پایدار محسوب می‌شود، اما در مکانیزم عملی تا کنون کمتر به این مهم به عنوان

راهکار عملی و موثر پرداخته می‌شود بنابراین نظر به اهمیت و نقش سرمایه اجتماعی در تقویت و استقرار مدیریت اجتماع محور و مبتنی بر توسعه پایدار محلی، در این پژوهش نقش توانمندسازی در تقویت سرمایه اجتماعی در قالب پیوندهای اجتماعی مرتبط با فرایند توانمندسازی اجتماع محور بررسی می‌شوند. به نظر می‌رسد با برنامه‌های توانمندسازی اصولی و مناسب می‌توان زمینه‌های موثر برای ارتقاء سرمایه اجتماعی مناطق حاشیه نشین را فراهم نمود. افزایش سرمایه اجتماعی در یک جامعه به منزله افزایش توانمندی آن جامعه است. در این راستا نیازمند همکاری بخش دولتی که نظارت و کنترل بر مدیریت شهری و روستایی را دارد. بخش خصوصی برای مشارکت مدیریت شهری، جدا از جنبه‌های اجتماعی - سیاسی آن به جهت تامین منافع مادی است. بخش نیمه دولتی (شهرداری‌ها) مهمترین و اصلی ترین سازمان اداره مدیریت شهری را به عهده دارد؛ و ورود نقش مردم در مدیریت مشارکتی امور شهری را می‌طلبد. مهمترین مساله در بحث توانمندسازی، نحوه مذاکره با مردم و جلب اعتماد آنها در اجرای طرح در مناطق فقیر نشین با تاثیرگذاری ساکنین محلات می‌باشد. بدین ترتیب راهکارهای برآمده از این راهبرد، در پی تشکیل سرمایه انسانی و اجتماعی ساکنین این مناطق با اقدامات جمعی و بهبود فضای زیستی آنهاست. در این بین نقش تسهیلگری و حمایت برای بخش دولتی قابل توجه می‌باشد. از آنجا که موفقیت هر طرح و برنامه منوط به همراهی ساکنین می‌باشد لذا توجه آنها در جهت اهداف طرح و تامین خواسته‌ها و نیازهای آنان از ضروریات اولیه می‌باشد. در این راستا سازمان‌های مردم نهاد (سمن‌ها) می‌توانند به مکانیزمی از گفتگو بین مردم و مسوولین دست پیدا کنند؛ بنابراین با همکاری بخش‌های فوق‌الذکر در پی آگاه سازی عمومی، آموزش عمومی و نهادسازی در اجتماعات محلی می‌توان با توانمند سازی و ساماندهی مناطق حاشیه نشین در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و تقویت سرمایه اجتماعی ساکنین که همان حس تعلق به محله است دست یافت و از کنار آن به احساس امنیت اجتماعی و همبستگی اجتماعی نائل آمد. احساس تعلق خاطر داشتن به گروه، جامعه و مکانی خاص از جمله احساسات ضروری در زندگی اجتماعی انسان هاست. از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، حس تعلق اجتماعی، زبان و چهارچوبی را به وجود می‌آورد که به وسیله آن ما نسبت به نحوه عملکرد افراد در گروه‌ها و اجتماعات دانش و آگاهی پیدا می‌کنیم (Pooley, 2005: 73).

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق کلیه ساکنان شهرستان پاکدشت (غرب حصار امیر) بودند که جمعیت مناطق حاشیه‌نشین آن در حدود سی هزار نفر تخمین زده می‌شود که به این ترتیب حجم نمونه با استفاده از جدول کوکران عدد ۳۷۹ به دست آمده است. ابزار مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته برای ابعاد مربوط به توانمندسازی و سرمایه اجتماعی و برای سنجش روایی پرسشنامه از مصاحبه و مشورت با اساتید راهنما و تأیید ایشان و نیز نظرخواهی از کارشناسان استفاده شده است. جهت سنجش پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده که ضریب آلفای محاسبه شده برای پرسشنامه سرمایه اجتماعی ۰,۸۷ و برای پرسشنامه توانمندسازی ۰,۸۵ بوده و برای

هر دو پرسشنامه بیشتر از ۰,۷ می‌باشد و قابلیت اعتماد پرسش‌نامه‌های تحقیق حاضر در حد قابل قبولی می‌باشد. در جدول زیر ضریب آلفای پرسشنامه و ابعاد آن‌ها نشان داده می‌شود.

جدول ۱: ضریب آلفای پرسشنامه و ابعاد آن‌ها

متغیر	تعداد سؤال	ردیف سؤال	ضریب آلفا
سرمایه اجتماعی	۳۸	۱ تا ۳۸ در جدول	۰/۸۷
توانمندسازی	۲۶	۳۹ تا ۶۴ در جدول	۰/۸۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

پرسشنامه‌ها پس از تنظیم در بین جامعه آماری توزیع شد و سپس جمع‌آوری شده و پاسخ‌های آن جهت بررسی و سنجش متغیرهای مورد مطالعه بکار رفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. با استفاده از این نرم‌افزار، پس از جمع‌آوری داده‌ها و بررسی متغیرهای جمعیت شناختی با استفاده از آمار توصیفی، اقدام به اجرای آزمون‌های آمار استنباطی شد. در این تحقیق جهت بررسی فرضیات و پاسخگویی به سؤالات تحقیق از آزمون رگرسیون استفاده گردید.

یافته‌ها

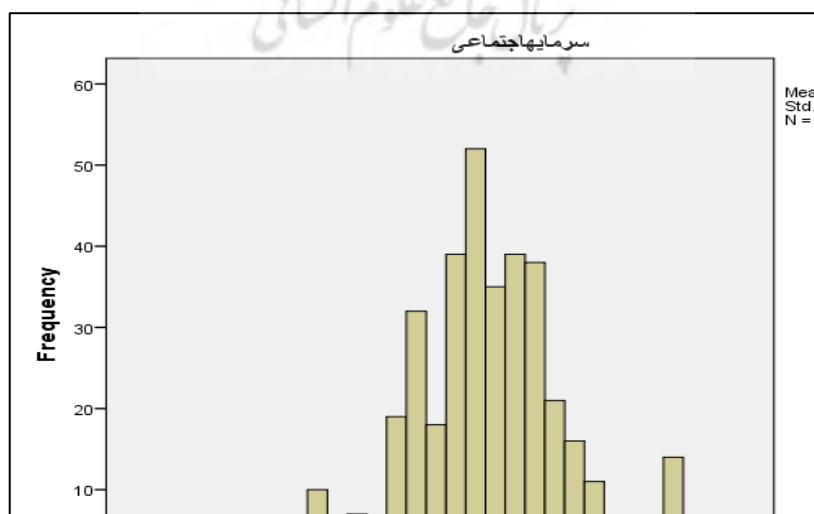
توصیف متغیر سرمایه اجتماعی

جدول ۲: توصیف متغیر سرمایه اجتماعی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کوچک‌ترین داده	بزرگ‌ترین داده
۳۷۹	۳/۳۴	۰/۵۴	۰/۳	۱/۹۲	۴/۸۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

با توجه به جدول فوق متغیر سرمایه اجتماعی دارای کوچک‌ترین داده ۱/۹۲، بیشترین ۴/۸۴، میانگین ۳/۳۴، انحراف معیار ۰/۵۴ و واریانس ۰/۳ می‌باشد. پژوهشگران، سرمایه‌ی اجتماعی را عامل مؤثر بر پایداری اجتماعی شهر، کاهش- دهنده‌ی هزینه‌های مبادله، توانمندسازی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و پایداری محیطی در تمام سطوح می‌دانند (ابراهیم‌زاده و زارع، ۱۳۹۰: ۲).



منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

توصیف متغیر سرمایه اجتماعی

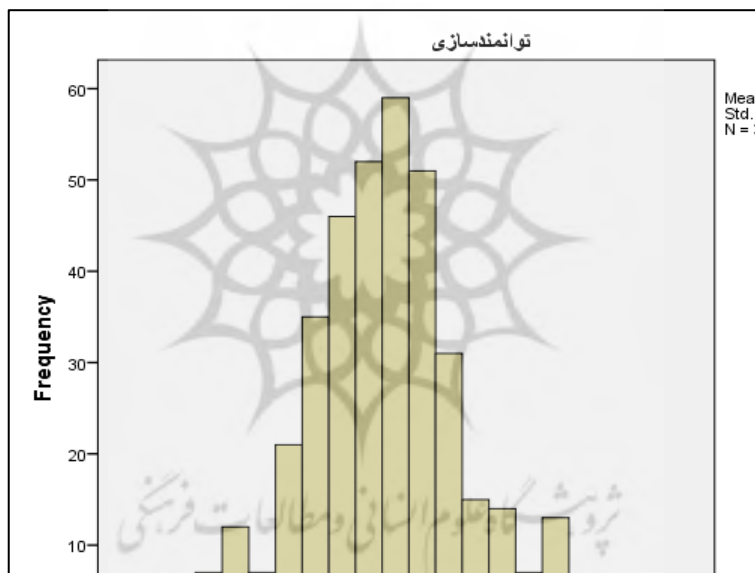
توصیف متغیر توانمندسازی

جدول ۳: توصیف متغیر توانمندسازی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کوچک‌ترین داده	بزرگ‌ترین داده
۳۷۹	۳/۳۴	۰/۵۴	۰/۳	۱/۹۲	۴/۸۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

با توجه به جدول فوق متغیر توانمندسازی دارای کوچک‌ترین داده ۱/۹۲، بیشترین ۴/۸۴، میانگین ۳/۳۴، انحراف معیار ۰/۵۴ و واریانس ۰/۳ می‌باشد. می‌توان گفت بسیاری از محققان بر توانمندسازی به‌عنوان یک رویکرد سیاسی دوجانبه متمرکز شده‌اند، روند اخیر تحقیقات، به‌طور فزاینده‌ای، توانمندسازی را به‌عنوان ساختاری چندبعدی، با ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در نظر گرفته‌اند و در این پژوهش نیز توانمندسازی در سه بعد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.



جدول ۴: توصیف متغیر توانمندسازی منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

نتایج آمار استنباطی

بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

جدول ۵: بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

آزمون Kolmogorov-Smirnov	
نتیجه	آماره Z
سرمایه اجتماعی	۰/۰۰۰
توانمندسازی	۰/۰۰۱
غیر نرمال	۰/۰۶
غیر نرمال	۰/۰۶

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

نکته بسیار مهمی که بسیاری از پژوهش‌های آماری با آن روبرو هستند این است که داده‌هایی که از طریق پرسشنامه و تابع لیکرت به دست می‌آیند به دلیل اینکه داده‌هایی، پیوسته نیستند به طور کلی دارای توزیع غیرنرمال هستند چون در تابع لیکرت از بین اعداد ۱ تا ۵ یک عدد را انتخاب می‌کنیم و اعداد بین آن‌ها را نمی‌توان در نظر گرفت؛

یعنی نمی‌توانیم عدد ۱,۵ را داشت یا نمی‌توان عدد ۲,۵ که بین ۲ و ۳ است را در نظر گرفت و این داده‌ها به دلیل گسسته بودن داده‌هایی غیرنرمال هستند و می‌بایست از آزمون‌های غیر پارامتریک استفاده گردد. نتیجه آزمون آماری: توانمندسازی در مناطق حاشیه‌نشین، تأثیر معنادار و مثبتی در افزایش سرمایه اجتماعی دارد

جدول ۶: ضریب همبستگی اسپرمن رابطه بین توانمندسازی در مناطق حاشیه‌نشین با سرمایه اجتماعی

تعداد	مقدار r	سطح معنی داری
۳۷۹	۰/۹۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

با توجه به جدول فوق سطح معنی داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و می‌توان بیان داشت با ۹۵ درصد اطمینان بین توانمندسازی و سرمایه اجتماعی رابطه مثبت وجود سرمایه اجتماعی افزایش یا کاهش می‌یابد. سطح معنی داری آزمون (sig=0.000) کمتر از (sig=0.05) می‌باشد بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین دو متغیر توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین در افزایش سرمایه اجتماعی تایید شده است، عدد ضریب همبستگی اسپرمن برابر با ۰,۹۷ است که حاکی از وجود رابطه مثبت و با سطح تأثیر متوسط بین دو متغیر فوق می‌باشد. سرمایه اجتماعی به دلیل ایجاد انسجام اجتماعی، تقویت مشارکت محلی، ارتقای آگاهی اجتماعی و افزایش اعتماد متقابل از رهگذر تعامل بین ذی‌نفعان، نقش تعیین‌کننده‌ای در نهادینه‌سازی رویکردهای اجتماع محور دارد. این سرمایه از طریق ایجاد سازمان‌های اجتماعی بر پایه اعتماد، هنجارها و روابط شبکه‌ای شکل می‌گیرد که کارایی را از طریق تسهیل هماهنگی در اقدامات بهبود می‌بخشد و ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها را بر دستیابی به اهداف نهایی تسهیل می‌کند، بالعکس، فقدان آن به بروز محدودیت‌هایی در فرایند توسعه در سطوح مختلف منجر می‌شود دارد و هرچقدر توانمندسازی افزایش یا کاهش پیدا کند سرمایه اجتماعی افزایش یا کاهش می‌یابد.

بحث

همان‌طور که قبلاً گفته شد این مقاله با هدف «تأثیر توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین بر افزایش سرمایه اجتماعی، مطالعه موردی شهرستان پاکدشت» تدوین گردید. بر اساس نتایج به دست آمده مشخص شد که بین توانمندسازی و سرمایه اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد و هرچقدر توانمندسازی افزایش یا کاهش پیدا کند سرمایه اجتماعی افزایش یا کاهش می‌یابد. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارها و قوانین و شبکه‌های غیر رسمی که همراهی، اعتماد و کنش جمعی را برای به دست آوردن کالای عمومی را فراهم می‌آورد و منابعی را جهت دستیابی مردم به اهدافشان در اختیار می‌گذارد. سرمایه اجتماعی جایگاه واقعاً ارزشمندی برای توانمندسازی جامعه حاشیه‌نشین در مناطق حاشیه‌نشین را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد؛ بنابراین توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیر رسمی یا همان مناطق حاشیه‌نشین از رهگذر سرمایه اجتماعی باعث پایداری و مقاومت بهتر در برابر ریسک‌های ناشی از بحران‌های این مناطق را به همراه دارد.

مهم‌ترین راهبرد در برخورد با مسأله حاشیه‌نشینی، راهبرد توانمندسازی جامعه‌ی محلی و مشارکت آنان، مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و تسریع و میانجی‌گری سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال

و مستقیم بهره برداری مورد نظر است (بزی و همکاران، ۱۳۹۴) در سال‌های پایانی ۱۹۸۰، سیاست توانمندسازی مناطق حاشیه نشین، به لزوم ایجاد تعامل بین بخش عمومی و خصوصی و نه تکیه یک جانبه بر یکی از آنها شکل گرفت. این سیاست، جمع بندی تجاربی بود که در مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد و برنامه ی توسعه سازمان ملل متحد، تکوین یافته و بانک جهانی نیز با آن هم داستان گشته است (مهدوی و نجفی کانی، ۱۳۹۰).

سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف شهری، در زمینه ی توانمندسازی حاشیه نشینان شهری موثر هستند و با ایجاد حس مشارکت، عدم احساس تبعیض با سایر اقشار شهری و ایجاد روحیه ی شهروندی و از طرق مختلف، نظیر آموزش شهروندی و شهروندمداری، باعث شکل گیری زمینه‌های توانمندی در حاشیه نشینان شهری شده و آنها را از تضاد عینی و ذهنی و حس رانده شدگی از شهر خارج می سازد (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی به دلیل ایجاد انسجام اجتماعی، تقویت مشارکت محلی، ارتقای آگاهی اجتماعی و افزایش اعتماد متقابل از رهگذر تعامل بین ذی-نفعان، نقش تعیین کننده‌ای در نهاده‌سازی رویکردهای اجتماع محور دارد. این سرمایه از طریق ایجاد سازمان‌های اجتماعی بر پایه اعتماد، هنجارها و روابط شبکه‌ای شکل می‌گیرد که کارایی را از طریق تسهیل هماهنگی در اقدامات بهبود می‌بخشد و ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها را بر دستیابی به اهداف نهایی تسهیل می‌کند، بالعکس، فقدان آن به بروز محدودیت‌هایی در فرایند توسعه در سطوح مختلف منجر می‌شود (مرادزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰۹).

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

توانمندسازی در ابعاد مختلف (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) می‌تواند تأثیرات مثبت بسیاری بر مناطق حاشیه‌نشین داشته باشد. مناطق حاشیه‌نشین به دلیل داشتن ضعف مالی و کم‌توانی از پرداخت بسیاری از هزینه‌های معمول شهری و ضعف فرهنگی، اجتماعی موجب بروز بسیاری از رفتارها ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی را با خود به همراه خواهد داشت. توانمند کردن این محله‌ها و دادن برخی امتیازات می‌تواند تأثیرات بسیار مؤثری بر افراد ساکن در این محله‌ها با خود به همراه داشته باشد؛ و موجب بالا رفتن سرمایه اجتماعی آنها شود. به‌طور کلی می‌توان گفت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی در یک ارتباط دوسویه با یکدیگر قرار دارند؛ بنابراین هر عاملی که سبب افزایش توانمندسازی شود، سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد و بالعکس.

پیشنهاد‌های پژوهش عبارت اند از:

- اعتماد سازی به عنوان پیش شرط اصلی جلب مشارکت‌های مردمی در فرآیند ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهری از طریق مجراهایی چون شورایی‌ها، انجمن‌های محلی و افراد معتمد و با نفوذ محلات.
- تقویت تشکل‌های مردمی و ایجاد نهاد اجتماعی محله جهت استفاده از دیدگاه‌ها و نظرات آنها در خدمت رسانی.
- برگزاری همایشها و جلسات مختلف به منظور افزایش آگاهی اجتماعی و فرهنگی افراد ساکن در مناطق حاشیه نشین.
- اولویت دادن به ترویج حس مسئولیت در میان ساکنین جهت افزایش سرمایه‌های اجتماعی در مناطق حاشیه نشین.

➤ گسترش وضعیت آموزش و ایجاد مهارت‌های اجتماعی و فنی جهت کاهش فقر، اعمال بزهکارانه و مشاغل کاذب در این مناطق.

➤ ایجاد مراکز کارآفرینی و همکاری با شهرک‌های صنعتی منطقه.

➤ ایجاد و گسترش و ترغیب کارآفرینی خرد و مشاغل کوچک.

➤ به کارگیری نیروهای محلی در اجرای طرح نوسازی و بهسازی مناطق حاشیه‌نشین برای ایجاد اشتغال در محله یا توانمندسازی اقتصادی.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و زارع، محمد (۱۳۹۳) تحلیل سرمایه اجتماعی با تأکید بر آگاهی و اعتماد شهروندان نسبت به مسئولان اجرایی، مورد مطالعه منطقه ۳ زاهدان، مجله آمایش جغرافیایی فضایی، سال ۴، شماره مسلسل ۱۳: صص ۱۷-۱.
- ابطحی، سید حسین (۱۳۹۳)، توانمندسازی واگذاری کار و تفویض اختیار، تهران، فوژان.
- اسکندری دورباطی، زهرا، (۱۳۸۱)، سیاست‌های بانک جهانی در خصوص توانمندسازی، فصلنامه هفت شهر، تهران، سازمان عمران و بهسازی شهری، شماره ۸
- ایازی، سید محمد‌های (۱۳۸۹) سکونتگاه‌های غیررسمی و برنامه ریزی‌های اجتماع محور با تأکید بر کلان شهر تهران، شماره ۷۳: صص ۷۲-۶۴.
- اجتهادی، مصطفی، (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، بهار.
- بزی، خداحم؛ موسی‌زاده، حسین و خداداد، مهدی (۱۳۹۴) ارزیابی تحلیل نقش شهرداری در توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین شهر (مطالعه موردی: شهر گرگان)، مطالعات نواحی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره ۲، شماره ۳: صص ۳۹-۲۳.
- پوراحمد، احمد و وفایی، ابوذر (۱۳۹۶) تأثیر مدرنیسم بر ساختار کالبدی فضایی شهر ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: شهر کاشان)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال ۷، شماره ۲۰: صص ۷۶-۶۳.
- پیری، عیسی؛ رضاییان، مهدی (۱۳۹۳)، امکان سنجی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر بنیان سیاست‌های دارای مبنای توسعه اجتماعات محلی مطالعه موردی: سکونتگاه‌های غیررسمی کلانشهر تبریز، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات شهری شماره ۱۰ صص ۶۲-۷۲
- توسلی، موسوی، (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، دو فصلنامه نامه علوم اجتماعی، زمستان، دوره ۱۱، شماره ۴ (پیاپی ۲۶)
- ستوده، هدایت‌الله، (۱۳۸۴) «جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران»، تهران، ناشر: ندای آریانا، چاپ اول.
- مشهدیزاده دهاقانی، ناصر. ۱۳۸۵ برنامه ریزی شهری در ایران، دانشگاه علم و صنعت، چاپ ششم.
- خرزایی، زهرا؛ زیویار، پروانه (۱۳۹۰)، بررسی و ارزیابی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و کالبدی سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: کوی سیاحی کلانشهر اهواز)، فصلنامه جغرافیای سرزمین، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۹۱-۱۰۵
- خراسانی مقدم، صبا؛ یزدانفر، سیدعباس؛ حسینی، سید باقر (۱۳۹۴). بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی موثر بر میزان رضایتمندی ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی (مطالعه موردی: محله فرحزاد تهران - فرحزاد شمالی)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۹۱: صص ۹۷-۱۱۷
- رضایی، محمدرضا و کمانداری، محسن (۱۳۹۳) بررسی و تحلیل علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر کرمان نمونه مورد مطالعه: محلات سیدی و امام حسن، نشریه برنامه‌ریزی فضایی، دوره ۴، شماره ۴: صص ۱۹۶-۱۷۹.
- زاهدی، شمس‌السادات، (۱۳۸۲) مطالعات مدیریت، بهبود و تحول مجله: پاییز و زمستان ۱۳۸۰ - شماره ۳۱ و ۳۲ ISC صفحه - از ۲۵۹ تا ۲۶۳.
- زرین کاویانی، عظیم؛ کلانتری، محسن؛ مشکینی، ابوالفضل؛ پیری، عیسی؛ (۱۳۹۸) تحلیل ساختاری موانع توانمندسازی اجتماع محور در مناطق اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: محله بان بزر شهر ایلام)، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۱۰، شماره پیاپی ۳۶: ۳۲-۲۱.
- سرور، رحیم؛ روستا، مجید، ۱۳۹۳، اصول و مبانی توانمندسازی مناطق نا بسامان شهری، شهرری، نشر: دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول
- شرکت عمران و بهسازی شهری (۱۳۸۱)، همایش تخصصی، فصلنامه هفت شماره ۸، تابستان، صص ۹۸-۱۱۴

- صرافی، مظفر (۱۳۸۲)، بازنگری ویژگی‌های اسکان خودانگیخته در ایران در جستجوی راهکارهای توانمندسازی، مجموعه مقالات سمینار حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، دانشگاه علوم بهزیستی.
- علیزاده اقدام، محمدباقر و محمدامینی، حمیده (۱۳۹۱) تحلیلی بر علل و پیامدهای شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین با نگرش ویژه بر شهر خمین، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۱، شماره ۲: صص ۱۳۸-۱۲۱.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی و تحول تکنولوژیک در عصر اطلاعات»، اندیشه صادق، تابستان و پاییز، ۱۳۸۲ شماره ۱۱ و ۱۲.
- قربانی گلزاری، سیده، (۱۳۹۳) نقش سرمایه اجتماعی در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی مطالعه موردی: ضلع شمالی شهر تبریز، اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، تهران، موسسه ایرانیان، انجمن معماری ایران.
- کاظمیان، غلامرضا، شفیعا، سعید (۱۳۹۳)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی ساکنان با پایداری توسعه در محله غیر رسمی شمیران نو، دو فصلنامه علوم اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۲: صص ۱-۲۴.
- مرادزاده، عبدالباسط؛ قاسمی، محمد؛ سالارزهی، حبیب‌الله؛ یعقوبی، نرمحمد؛ بذرافشان، جواد (۱۳۹۷) توانمندسازی اجتماع محور: ارزیابی ظرفیت سرمایه اجتماعی ذینفعان محلی، مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۵، شماره ۴: صص ۵۲۲-۵۰۳.
- منصوریان، محمدکریم، آیت‌اللهی، سیدعلیرضا (۱۳۵۶)، حاشیه‌نشینان شیراز در استان فارس، شیراز: دانشگاه شیراز.
- مهدوی، شهرام. نجفی‌کانی، علی اکبر (۱۳۹۰). لزوم توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین و راهکارهای مدیریتی آن با استفاده از مدل SWOT، اولین همایش حاشیه‌نشینان نظم و امنیت.
- نقدی، اسداله و صادقی، رسول (۱۳۸۵) حاشیه‌نشینان چالشی فراروی توسعه پایدار شهری (با تاکید بر شهر همدان)، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰: صص ۲۳۳ - ۲۱۳...
- هاروی، دیوید: (۱۳۷۶)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- Shaw, Clifford R., McKay, Henry D., (2012). The social disorganization theory. Center for Spatially Integrated Social Science, Retrieved.
- Wilson, A.G., (2010). The general urban model: Retrospect. Papers Regional Science Association.
- Chakraborty A., Wilson, B., Sarraf, S., Arnab Jana, A., (2015), Open data for informal settlements: Toward a userBs guide for urban managers and planners, Journal of Urban Management, Volume 4, Issue 2, December 2015, Pages 74-91.
- Fukuyama, F. (1995). Trust: The Social Virtues and the creation of prosperity. New York: free press.
- Khalifa, M., (2015), Evolution of informal settlements upgrading strategies in Egypt: From negligence to participatory development, Ain Shams Engineering Journal, Volume 6, Issue 4, December 2015, Pages 1151-1159
- Pino, A., Hormazabal, N., (2016), Informal settlements: Reinterpreting rural imaginary in urban areas: The case of Valparaiso's ravines, Habitat International, Volume 53, April 2016, Pages 534-545
- Pooley, J., Cohen, L., & Pike, L (2005) can sense of community inform Social Science Journal, 42(1), 71-79
- Sarma Sadhu, S.L.N., Tiwari G., (2016), An activity pattern - destination land use choice model of low income households of informal settlements - Case study of Delhi, Transportation Research Part A: Policy and Practice, Volume 85, March 2016, Pages 265-275
- Thomas kenneth, W & Velthouse, A, 1990, Cognitive Elements of Empowerment: An Interpretive Model of Intrinsic Task Motivation, Academy of Management Review. Vol.15.No.4.pp.666-681
- UN-HABITAT (2003), The challenge of slums, Global Report On Human settlement.